

سخنرانی سلطانعلی کشمند

آخرین وداع با محمود بریالی

مراسم وداع با محمود بریالی در شهر کوچک محل اقامت او در آلمان، با شرکت و حضور وسیع رهبران دولت دمکراتیک افغانستان و حزب دمکراتیک آلمان برگزار شد و پیکر او برای خاکسپاری به افغانستان انتقال یافت.

در این مراسم بیش از 1500 تن حضور یافتند و علاوه بر سالن برپائی مراسم محوطه وسیعی در خارج از سالن نیز شاهد حضور وداع کنندگان بود. از سوی احزاب و سازمان های دمکراتیک، چپ و سازمان های اجتماعی افغانستان نیز هیات های نمایندگی در این مراسم حضور یافته بودند. از جانب راه توده نیز دسته گلی توسط هیات نمایندگی راه توده بر پیکر محمود بریالی نهاده شد. بنا بر گزارش نمایندگان راه توده که در این مراسم حضور یافته بودند، چنین مراسم یکپارچه و آرمان خواهی از بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بندرت دیده شده است. بویژه تاکید سخنرانان بر آرمان های انقلابی.

سلطان علی کشمند نخست وزیر دولت دمکراتیک افغانستان که اکنون از بنیانگذاران و رهبران برجسته جبهه نوین دمکراتیک افغانستان است، شخصا در این مراسم حضور یافته و نخستین سخنران آن بود. وی در بخشی از سخنرانی خود گفت:

« روزگاری سخت اندوهبار است که بهترین رفیق، همسنگر و هم‌رزم خویش، شخصیتی استثنایی، میهن پرست پرشور، یکتا از حزبی ها و انقلابی های بی مانند، دوست و خدمتگزار مردم خویش، محمود عزیز خویش را از دست داده ایم. در این لحظاتی که قلب همه ما مالا مال از غم و اندوه است، خاطره شخصیت والایی را گرامی می داریم که سراسر زندگی خود را وقف آرمان های بزرگ حزب خویش بخاطر رهایی و سربلندی میهن و مردم آن کرد.

مرگ زود رس محمود بریالی، بدون تردید ضایعه بزرگ و جبران ناپذیری است برای خانواده وی، برای مجموعه اعضای ح.د.خ.ا، دوستان و هم‌رزمان او که خوشبختانه در قید زندگی اند و خود را شریک افتخارات آن حزب به عنوان خانواده عظیم و استثنایی و تکرار نشدنی تاریخ معاصر افغانستان می دانند. افغانستان یکی از شایسته ترین و وفادارترین فرزندان خویش را از دست داد.

به این مجموعه بزرگی، تسلیت می گویم. به جمیله ناهید همسر رنج دیده و با وفا و رفیق هم‌رزم وی، به رومان و مریم فرزندان شایسته ایشان، به مادر محترمه، برادران و خواهران، برادر زاده ها و خواهرزاده و سرانجام به شخصیت گرانمایه دکتر آناهیتا راتب زاد که نام ایشان در تاریخ جنبش چپ و دمکراتیک و بویژه در تاریخ جنبش زنان کشور ثبت است و حضور ایشان در این مراسم خود گویای احترام عمیقی است که همه ما نسبت به محمود بریالی داشتیم و داریم. به محبوه کارمل بانوئی آگاه و با تقوا همسر رهبر ما ببرک کارمل، شکیبایی آرزو می نمایم.

بریالی شخصیتی برجسته در اندیشه و عمل، سخنوری پرشور و ژرف اندیش، دوراندیش و انعطاف پذیر بود. او به عنوان یکتا از رهبران جوان پیشاهنگ ح.د.خ.ا، آغاز به کار کرد و تا آخرین لحظات به اندیشه ها و آرمانهای والای آن وفادار باقی ماند و راه پرافتخار آن را ادامه داد.

او از آغاز تدارک برای تشکیل ح.د.خ.ا، در جریان تشکل، در فراز و فرودهای آن، در روزهای سخت و در مبارزات و افتخارات آن پیوسته شریک، همکار و هم یار ما بود. او در دوران مبارزات آگاهانه و دشوار حزب چه در اپوزیسیون در سالهای شصت و هفتاد و چه در قدرت، در سالهای هشتاد میلادی پیوسته در صفوف مقدم آن، رزمید و نام وی به عنوان یکتن از رهبران شناخته شده آن حزب، بعنوان یکتن از ادامه دهندگان پیشتاز مبارزات آن در تاریخ جنبش چپ و دموکراتیک در افغانستان ثبت گردید.

محمود بریالی در عرصه تئوریک و ایدئولوژیک و سیاست های بین المللی حزب یکتن از فعالان و رهبران شناخته شده بود، در کار اجرایی و دولتی نیز برای بازسازی و نوسازی اقتصاد افغانستان فعالانه شرکت کرد. او بعنوان مسئول روزنامه حقیقت انقلاب ثور و مسئول امور بین المللی حزب در رابطه به شکل گیری سیاست های حزب و دولت، نقش شایسته ای اداء نمود و این مصادف به سالهایی بود که صدها هزار تن از اعضاء حزب و گروه های ترقی خواه و میهن پرست در کادر اداره دولت با شور و شوق عظیم به نوسازی جامعه نوین و درخور انسانی افغانستان اشتغال داشتند.

محمود بریالی در سالهای اخیر دهه هشتاد به عنوان معاون اول صدراعظم افغانستان با بهره از دانش اقتصادی خویش و با کار پر تلاش در کار بزرگ توسعه اقتصاد و رشد فرهنگ در کشور که از سوی حکومت افغانستان انجام می شد، سهم شایسته ای ایفاء نمود. وی در نخستین روزهایی که به پیشنهاد و پشتیبانی اینجانب به این پُست تعیین گردید، فعالانه به کار پرداخت و یکی از نمونه های بارز همکاری بیدریغ و کار پُرتلاش وی سرپرستی دوامدار در ساحه کار از ساختمان شاهراه کابل - بگرام در شرایط دشوار بود.

دوستی بزرگ انسانی و انقلابی ما نه تنها به سالهای کار اجرایی در شورای وزیران که خود فصل در خشنای از تلاش بزرگ انسانی بود، بلکه به سالهای پیش از بنیانگذاری ح.د.خ.ا؛ در سال هایی که هردوی مان و رفقای دیگری که بعداً هریک نقش براننده ای در روند انقلابی کشور اداء کردند، به رهبری زنده یاد بیرک کارمل در همسویی و همکاری نزدیک کار و مبارزه بر می گردد.

من مجموعهء خاطرات خوب و ماندگار خویش را با محمود عزیز که ضمن صحبت ها، همکاریها و هم اندیشی های ما شکل گرفته است، چه در جریان کار، چه در زندگی شخصی و اجتماعی و چه در جریان مسافرت های کاری پرشماری که در داخل و خارج افغانستان با هم داشتیم، پیوسته گرامی خواهم داشت.

من به یاد دارم که به روز هفتم ماه فبروری 1992 که از حادثه سوء قصد جان به سلامت بردم و پس از آنکه از حالت اغماء در بیمارستان صلیب سرخ بین المللی در کابل چشم گشودم، در نخستین نگاه دیدم که گروهی از رفقا و در میان آنان محمود بریالی، عبدالوکیل، نجم الدین کاویانی، نبی عظیمی و دیگران با چه صمیمیت و صفا به من می نگرند و از اینکه زنده مانده بودم جرقه های خوشی در چشمان اشک اندود شان برق می زند. پس از آن، همانگونه که در خاطرات خویش یادداشت کرده ام، محمود بریالی عزیز همراه با گروه های بزرگی از رفقا و دوستان و نمایندگان هزاران تن از مردم، همه روزه در بیمارستان چهارصد بستر به عیادت می آمدند. من آنهمه دوستی و مهربانی، همدردی و همسویی رفقای همرمز و نمایندگان مردم شرافتمند را که در آن میان محمود بریالی به عنوان یکتن از بهترین و نزدیکترین دوستان من و خانواده من قرار داشت هرگز فراموش نکرده ام و از جمله با آن خاطرات زندگی می نمایم.

به عنوان خاطرهء دیگر یاد آور می شوم که سالها پس از پراگندگی و دوری از وطن که برما تحمیل گردید، به دیدار محمود بریالی و عیادت از همسر وی جمیله ناهید، همراه با رفیق شفیق الله توده یی به منزل ایشان رفتم. در این دیدار یکبار دیگر در فضای دیرین دوستی های بی شایبه، اعتمادها، باورها و همسویی ها سخن گفتیم و ساعت ها نشستیم و من، بریالی

را همانگونه که پیوسته در گذشته دیده بودم، انسانی متواضع، خوش قلب و خوش برخورد، صمیمی، دوست واقعی، روشنگر، دوراندیش، با نشاط، مصمم و بااندیشه و اراده خدشه ناپذیر انقلابی یافتیم.

پس از حوادث اپریل سال 1992، اگرچه من برای تداوی به خارج از کشور به سر می بردم، همه می دانند که محمودبریالی نقش برجسته ای در امر رهبری گروه هایی از رفقا در افغانستان که درگیر دشواریهای بزرگ جنگ و ستیز بودند ایفاء نمود. خاطره آن روزهای دشوار را بسیاری از رفقا که امکانات برای خروج از کشور را نداشتند، بیاد دارند و بریالی با خانواده خویش هنگامی کابل را به اصرار رفقا ترک گفت که دیگر امکانات برای کار و زیستن در آنجا وجود نداشت. وی برغم اینکه از بیماری رنج می برد، برای یک لحظه در برون از کشور نیز، از کار و مبارزه دست نکشید تا اینکه بعنوان یکتن از بنیانگذاران **نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی** افغانستان همراه با رفقا و دوستان پیش کسوت دیگر نقش فعالی ایفاء نمود. محمودبریالی ضرورت اتحاد و همبستگی تمام گروه ها و نیروهای ترقیخواه در برون و برون افغانستان را بدرستی درک می کرد و جانبدار جدی همسویی و همکاری این نیروها در یک جبهه یاجنیش فراگیر بود. در واقع، وضع اکنون بگونه ایست که منطق زمان با هم آمدن تمام نیروها و حلقات پراکنده ترقیخواه و دموکراتیک را به ضرورتی مبرم مبدل کرده است.

همه آگاهی دارند که محمودبریالی در طی شانزده سال اخیر چه در افغانستان و چه در مهاجرت، از همسر مهربان خود، جمیله ناهید با دلسوزی، عواطف انسانی و فداکاری مواظبت نمود. همه میدانند که جمیله ناهید نیز در طول زنده گی مشترک خانوادگی با همسر عزیز خود محمودبریالی با اندیشه های مشترک انسانی، اخلاقی و مردمی که موجب پیوند شان شده بود، نمونه وار زندگی کرد و در سال 1990 در یکی از روزهای سیاه که راکتهای کور دشمنان انسانیت و آرامش مردم کابل، در هرکجای شهر فرود می آمد و قربانی ها می گرفت، یکی از آن راکت ها که از کوهستانات پغمان پرتاب شده بود، در کنار در خروجی انستیتوت علوم اجتماعی واقع در افشار کابل اصابت کرد و با انفجار مهیب آن تتی چند از بهترین فرزندان بیگناه میهن شهید و شماری زخمی شدند. جمیله ناهید نیز که تازه از تدریس فارغ شده و آماده خروج بود، در این میان قرار داشت. پارچه ای بُران راکت منفجر شده نیمی از بدن این بانوی شرافتمند و با نجابت را فلج کرد، ولی از آن روز به بعد، او که نماد ایستاده گی انسانی است در کنار همسر و فرزندان خوب شان با تحمل درد و دشواریهای بزرگ روزگار، با وقار زیست.

رفقا و دوستان عزیز!

اجازه بدهید که در پایان صحبت، از سوی رفیق گرانمایه نوراحمدنور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی پیشین ح.د.خ.ا، از پیش کسوتان و رهبران برجسته جنبش چپ و دموکراتیک کشور نیز، همدردی و تسلیت به همسر، فرزندان و خانواده محترم محمودبریالی و به تمام رفقا و دوستان ابراز بدارم. رفیق نور به من وظیفه سپرده است تا باطلاع برسنام که خود بنابر معاذیری در مراسم بدرود با زنده یاد محمودبریالی حضور یافته نتوانست.

در روزهای اخیر، در روزهایی که بیماری محمودبریالی به وخامت گرائید و با اطلاع از درگذشت نابهنگام وی، موجی از تأثر و اندوه سراسری همه رفقا، دوستان و حلقات ترقیخواهانه هم میهنان ما را فرا گرفت و افزون بر همدردی حضوری، تلفونها و پیامهای تسلیت فراوان به خانواده وی و به رفقا مواصلت ورزید که نشانه ای دوستی، وفاداری و همبستگی با محمود عزیز و آرمانهای انسانی وی است. شماری از این پیامها در سایت مشعل و برخی از سایتها و رسانه ها پخش گردیده است. به خاطر تدارک برای مراسم تشییع، خاک سپاری و یاد و بود از زنده یاد محمودبریالی، رفقا و دوستان گرامی ما در اینجا و در کابل، بی دریغ یاری و همکاری نموده اند که بویژه کار سازماندهنده رفیق نوراحمدنور و

رفقای با وقف و شماری از اعضای کمیسیون مشترک تدارک و برخی از شخصیت های محترمی که داوطلبانه و صمیمانه شرکت ورزیدند، درخور ستایش است .
بعنوان آخرین حرف خویش، من در این محفل تودיעی ابراز می دارم که : محمود بریالی با افتخار زندگی کرد و مرگ زودرس او به عنوان یک ضایعه بزرگ، اعضای خانواده وی، یاران و همکاران، رفقا و دوستان و همه هم میهنانی را که با اندیشه های ترقیخواهانه دمساز اند، سوگوار ساخت.
آرمانهای انسانی زنده یاد محمود بریالی را که همسو با آرزومندی های ما و در مطابقت با خواست تمام حلقات و نیروهای ترقیخواه دموکراتیک است، در عمل تحقق بخشیم !
یاد او گرامی و روانش شاد باد!

راه توده 116 18.12.2006